

صهیونیست‌ها گام به گام در حال رونویسی از روی دست نازی‌ها هستند

نتانیا‌هو خودکشی را هم از هیتلر تقلید می‌کند؟



علی مزروعی

خبرنگار گروه نقد روز

ادعاهای زیادی درمورد آثار هولوکاست در رسانه‌های غربی مطرح می‌شود. کشتار سیستماتیک و قتل عام شش میلیون یهودی ازجمله آنهاست که مدام تکرار می‌شود. درحالی‌که جمعیت یهودیان جهان تا قبل از بازه زمانی هولوکاست ۱۷ میلیون نفر گزارش شده است طبیعی است که ادعای کشتار بیش از یک سوم این جمعیت توسط بسیاری مورد تردید قرار گیرد. علاوه‌بر کشتار جمعیت درمورد شیوه‌های کشتار نیز ادعای‌های بسیاری مطرح شده که پذیرش آن باعث تداوی یک جنایت تمام‌عیار در ذهن می‌شود اما زمانی که استنادی مطالبه می‌شود پاسخ این است که نازی‌ها بخش زیادی از آثار جنایات خود را پاک کرده‌اند. درمورد آمار کشته‌شدگان نیز کسی نباید باهمان داشته باشد چراکه در ۱۶ کشور اروپایی ازجمله آلمان، فرانسه، ایتالیا، بلژیک، جمهوری چک، سوئیس، اتریش، لهستان، مجارستان و همین‌طور در سرزمین‌های تحت اشغال رژیم صهیونیستی انکار هولوکاست جرم است و مجازات و جریمه دارد. در بریتانیا هم علی‌رغم ادعای آزادی بیان دادگاهی علیه یک خواننده حکم داد که می‌تواند مورد استناد دادگاه‌های دیگر نیز قرار گیرد.

سازمان ملل نیز در ۲۱ ژانویه ۲۰۲۲ به پیشنهاد آلمان و اسرائیل قطعنامه‌ای را با هدف مقابله با انکار هولوکاست مطرح و در مجمع عمومی تأیید کرد. در این قطعنامه با هشدار درباره افزایش انکار هولوکاست، کوچک جلوه دادن فاحش شمار قربانیان یکی از موارد انکار تعریف شده است. این موارد شاید برای باورپذیر بودن به قدر کافی مستند نباشد اما تنها توجیهی است که رژیم صهیونیستی و حامیان غربی‌اش مطرح می‌کنند تا بتوانند از زیر بار پاسخ به سوالات درمورد چرایی اشغال سرزمین فلسطین و آواره کردن مردمش طفره ببرند؛ مردمی که نه نژادشان با هیتلر نازی یکی بوده، نه دین و عقیده‌شان و نه سرزمین‌شان. حتی اگر ادعای هولوکاست درست باشد این سوال در برابر صهیونیست‌ها وجود دارد که چرا تاوانش را باید مردم سرزمینی بدهند که نمادشان صلح و زیتون است نه «های هیتلر». سازمان ملل هم که حتی برای انکار آمارهای هولوکاست قطعنامه محکومانه صادر کرده بود برای کشتار بی‌رحمانه هزاران کودک در غزه هنوز هیچ کاری انجام نداده است. اکنون هشت دهه از زمانی که ادعای هولوکاست مطرح شد می‌گذرد و هر روز هم بر حجم جنایات رژیم صهیونیستی علیه کودکان و زنان فلسطینی افزوده می‌شود جنایتی که حتما مستندتر از هولوکاستند. صهیونیست‌ها هرچه درمورد هولوکاست شنیده‌اند را به خاطر سپرده‌اند تا تصویر واقعی آن را هر روز در صبرا، شتیتال و غزه بسازند.

اجماع ایرانیان منهای براندازها به نفع آرمان فلسطین قابل تأمل است

فروکاست از هولوکاست جرم است اما از غزه نه

به مدت سه روز به عرصه کشتار آوگکان فلسطینی توسط صهیونیست‌ها و نیروهای فالانژ تبدیل شد. در نتیجه آن بیش از ۲۰۰ نفر و بنا به روایات‌های دیگری بین سه تا پنج هزار نفر به شهادت رسیدند. فالانژیست‌ها هر انسان زنده‌ای را که می‌دیدند به‌طز فحیحی به شهادت رساندند. سررا را از تن جدا می‌کردند، روی بدن خونین کشته‌شدگان صلیب می‌کشیدند و به رسم صهیونیست‌ها در دیر یاسین، شکم زنان حامله‌رامی دریدند. این جنایت‌پس از آن صورت‌گرفت که جامعه‌بین‌الملل ضمانت داده‌بود درصورت پایان‌یستادگی در برابر رژیم صهیونیستی و خروج نیروهای مقاومت از زیبرت از ساکنان بی‌پناه اردوگاه‌های فلسطینی حمایت کند. وعده‌ای که محقق نشد تا فلسطینیان بی‌پناه در برابر جنایتکاران تنها گذاشته شوند. درست همان‌طور که سال‌ها بعد هم‌کیش‌ان‌شان در یوسنی توسط نیروهای حافظ صلح به صرب‌ها تحویل داده‌شده و در سارایوو سلاخی شدند تا بزرگ‌ترین نسل‌کشی اروپا بعد از جنگ جهانی دوم رقم بخورد. نسل‌کشی که چون قربانیانش مسلمان بوده‌اند هیچ وقت به اندازه هولوکاست در رسانه‌های غربی دیده نشده است. لیست جنایات صهیونیست‌ها البته به همین‌سه‌مورد محدود نیست و بوی خون هزاران فلسطینی هنز از سلمه، بیار علس، طبریا، حیفا، قدس، عکا، بافا، صفد و بیسان شنیده‌می‌شود و توار غزه نیز هم. مساحت کوچکی‌که چند میلیون فلسطینی‌رادر خودکشی‌انده‌و متراکم‌ترین منطقه جهان شناخته می‌شود در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۳ چندین هزار شهید فدای آرمان فلسطین کرده است.

تروویست کیست

بعداز حمله‌غافلگیرانه حماس به رژیم صهیونیستی بسیاری از خبرنگاران حامی‌این رژیم در بهت و اندوه فرو رفتند. مجری شبکه منو تو لباس تیره پوشید و خبرنگار CNN درمورد بریده‌شدن ۴۰ کودک توسط حماس خبر جعلی منتشر کرد، خبری که یک برگ سند هم برایش ارائه نشد. تا همچون ماجرای هولوکاست صرفا در حد یک ادعا باقی بماند. ادعایی که هیچ‌کس غیرصهیونیست‌ها آن را تأیید نکرد و خبرنگاران این شبکه هم صرفا با ابراز تاسف و اعلام اینکه باید کمی بیشتر دقت می‌کرده‌نویشتش را پاک کرد. همزمان با این دروغ‌سازی‌ها چهره‌هایی همچون ایهود بارک نیز در رسانه‌ها حاضر شده و با تروویست خطاب کردن حماس ریختن هزاران تن بمب سفبری و غیرسفبری بر سر زنان و کودکان فلسطینی را توجیه کرد. حال آن‌که واقعیت کاملا عکس این روایت است و مردم جهان نیز به خوبی آن را می‌دانند. همزمان با طرح این ادعاهای غیرواقعی نیروهای حماس ضمن آزادی چند مادر اسیرشده و فرزندانشان تصاویری از نگهداری از کودکان را نیز منتشر کردند. این برخورد باعث شد تا اسرای آزاد شد صهیونیستی خود در مقابل دوربین قرار گرفته و راوی رفتار انسان دوستانه نیروهای مقاومت باشند. در سوی مقابل اما تارخچه پر محتوایی از رفتارهای تروویستی در کارنامه صهیونیست‌ها قرار دارد. کارنامه‌ای انبوه از جنایات متنوع نظیر سلاخی کودکان و دریدن شکم مادران در آن وجود دارد اما نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی ترجیح می‌دهد با نادیده گرفتن آنها درمورد تروویست بیون نیروهای مقاومت داستان سرایی کند.

فرهنگ نجات

نه برای محکومیت جنایات صهیونیست‌ها قطعنامه نوشته شده است و نه برای انکارش ممنوعیتی وجود دارد. برای همین هم نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی با اعتماد به نفس در شبکه BBC حاضر شده و بدون اینکه پوزخند بزند واقعیت عربان جنایت را منکر می‌شود. ایهود باراک حملات نیروهای مقاومت را قساوت علیه بشریت توصیف کرده و به ناحیه‌ای که بیش از دو زنان و کودکان فلسطینی و همچنین حمله زمینی به ناحیه‌ای که بیش از دو میلیون ساکن دارد را مشروعیتم می‌بخشد و بعد از اینکه مجری از او می‌پرسد چرا رژیم صهیونیستی مدارس را هدف قرار داده و جان زنان و کودکان را می‌گیرد این‌گونه استدلال می‌کند که چون نیروهای حماس در مدارس پنهان می‌شوند پس گریزی جز کشتار مردم باقی نمی‌ماند. باراک کشتار نزدیک به ۳۰۰ فلسطینی را این‌گونه توجیه می‌کند «وقتی با تروویستی مواجه هستی که بین غیرنظامیان پنهان می‌شود واقعیت تلخ این است که تاحدی ضرر ناگزیر هم وارد شده و غیرنظامیان هم کشته می‌شوند.» زمانی که قرار است جنایت رژیم صهیونیستی توصیف شود استفاده از کلماتی همچون «تاحدی» و «ناگزیر» هم برای تقلیل مساله و فروکاست معناییی ماجرا مجاز است اما اگر به جای اتقادات غزه هولوکاست روایت شود هرگونه فروکاستی جرم محسوب می‌شود حتی ذره‌ای تشکیک درمورد رقم شش میلیون نفری کشته‌شدگان نباید استفاده شود.

حرکت روی ردپای هیتلر

نتانیا‌هو که نقشه نسل‌کشی هیتلر را اوو به او کپی کرده است در رویکرد استراتژیک خود نیز گویا همین مسیر شکست‌خورد را درپیش گرفته است. پس از پیروزی‌های پی‌درپی در جنگ جهانی دوم تمام اروپای غربی تقریبا توسط نیروهای آلمانی اشغال شده بود و یا به تصرف دولت‌های ایتالیا و اسپانیا درآمده بود. این موفقیت‌ها هیتلر را به طمع انداخت که برای فتح کامل شوروی عملیات باباروسا را با استفاده از سه میلیون نفر نیرو و ۳۵۰ فرند تانک متحدین آغاز کند. فتح مناطق بالتیک و لتینگراد در شمال، مسکو در مرکز و منابع اقتصادی اوکراین و روسیه در جنوب اهداف اصلی این عملیات بود. عملیات حمله به مسکو با تیفون در ۲ اکتبر ۱۹۴۱ آغاز شد. ۱۰ روز بعد واحد‌های آلمانی در فاصله ۹۰ مایلی پایتخت روسیه قرار داشتند. اما مقاومت سرسختانه اتحاد جماهیر شوروی و همزمان باران شدید و جاده‌های ناهموار تلفات سنگینی ربه آلمان‌ها تحمیل کرد و درحالی‌که نیروهای آلمانی به نزدیکی مسکو رسیده بودند ضد حمله گسترده نیروهای شوروی عملیات تهاجمی آلمان را متوقف کرد. این شکست مقدمه‌ای شد برای شکست‌های دیگر متحدین و پایان اشغال سرزمین‌های تحت تصرف آنها. حال بعد از هشت دهه از جنگ جهانی دوم، نتانیا‌هو و یارانش همان مسیری‌رادر پیش گرفته‌که هیتلر یک باررفته بود. صهیونیست‌ها هر آن ممکن است به طمع پایان بخشیدن به هویت فلسطین وارد نبرد همه‌جانبه با غزه شوند. نبردی که می‌تواند جبهه‌های دیگری‌رادر برابر رژیم صهیونیستی بگشاید و پایانی بر سال‌ها اشغال توأم با جنایت سرزمین فلسطین باشد.



زهرا طیبی

خبرنگار گروه نقد روز

تحولات در سرزمین فلسطین آفت‌دار با سرعت به وقوع می‌پیوندد که هر لحظه و با انتشار اخبار می‌توان تحلیل تازه‌ای از آینده اتفاقات رخ داده در فلسطین ارائه داد. اما یک نکته مهم در این میان مورد توجه قرار دارد و آن هم این است که صهیونیست‌ها الان در باتلاقی قرار دارند که هرچه بیشتر دست و پامی‌زنند بیشتر فرو می‌روند. در این میان هم به‌نظر می‌رسد، آنهایی که قصد دارند صهیونیست‌ها را نجات دهند یا با آنها همراه شوند نیز در حال فرو رفتن در این باتلاق هستند. رسانه‌های فارسی‌زبان و چهره‌های برانداز را می‌توان از جمله این افراد دانست. در حالی‌که در کشورهای مختلف و در قلب اروپا فریاد آزادی‌خواهی و محکومیت مردم فلسطین بلند شده است. این رسانه‌ها به دنبال سفیدشویی اقدامات و جنایات صهیونیست‌ها هستند. امری که هم‌راستا به تلاش برای ایجاد دودستگی در این رابطه میان گروه‌ها و سلاطین سیاسی مختلف در ایران دنبال می‌شود.

رضا پهلوی؛ مدافع حقوق صهیونیست‌ها

«اسرائیل یاد دیگر زیر هجوم تروویستی‌هایی با ایدئولوژی آدم‌کشانه قرار دارد. این نیروهای شر و حامیان‌شان باید متوقف شوند. ما محله وحشیانه امروز به مردم عادی، خشونت‌بی‌رحمانه علیه زنان و کودکان و گروگان‌گیری افراد بی‌گناه را محکم می‌کنیم.» این اظهار نظر یکی از شهروندان با ساکنان صهیونیست در سرزمین‌های اشغالی نیست، صحبت‌های سازه‌پهلوی در واکنش به آغاز عملیات طوفان الاقصی است. اما شاید همان‌طور که نمی‌توان اتفاقات و حملات در حال وقوع در سرزمین‌های اشغالی را محدود به چندسال اخیر و عملیات ۷ اکتبر دانست و ماجرا را از وسط روایت کرد، حمایت پهلوی چی‌ها از اقدامات و فعالیت‌های صهیونیست‌ها نیز تنها به این روزها اختصاص ندارد و ماجرایه دوران محمد رضا پهلوی برمی‌گردد. محمد رضا پهلوی اگرچه به جهت مخالفت جامعه ایران و علما در حمایت از رژیم صهیونیستی احتیاط می‌کرد گویا نیز در ظاهر آنها را محکوم می‌کرد اما ارتباط خوبی میان صهیونیست‌ها و خاندان پهلوی وجود داشت. این هم‌راهی تا آنجا ادامه پیدا کرد که با ماموران ساواک برای آموزش، توسط نیروهای موساد به سرزمین‌های اشغالی سفر می‌کردند یا فرماندهان موساد به ایران می‌آمدند. این‌حال شاید بشود گفت اطرافیان یا طرفداران سلطنت‌تصویری کنندگان حمایت از رژیم صهیونیستی برگ برنده راد اختیار اقرار می‌دهد. سفر سازه پهلوی به سرزمین‌های اشغالی درست در میانه بحران سیاسی اسرائیل و نظاره‌تار ساکنان سرزمین‌های اشغالی نیز با هدف بازی در زمین برنده صورت گرفت. سفری که واکنش‌های منفی زیادی از جانب سیاستمداران صهیونیست و اپوزیسیون ایرانی به همراه داشت. اما در این میان آنچه مورد توجه قرار داشت، این بود که سلطنت‌طلب‌ها تصور می‌کردند با حمایت از رژیم صهیونیستی می‌توانند در اجرای ایده براندازی، موفق عمل کنند و از حمایت‌های اسرائیل در این راستا بهره‌مند شوند. تصویری که البته اشتباه نبود و چند وقت بعد از سفر رضا پهلوی چند تن از اعضای پارلمان رژیم صهیونیستی، از طرحی صحبت به میان آوردند که از تجزیه ایران حمایت می‌کرد و خواستار تشکیل کشوری به نام آذربایجان جنوبی و تجزیه مناطق آذری نشین ایران شده بود.

انسانیت کیلویی چند؟

این هم‌راهی و هم‌کاری با صهیونیست‌ها البته به رضا پهلوی محدود نماند و جدیدترین نمونه جلسه وزیراطلاعات اسرائیل با برخی از خبرنگاران رسانه‌های فارسی‌زبان را می‌توان امری دانست که حمایت و هم‌کاری صهیونیست‌ها یا رسانه‌های فارسی‌زبان را علنی کرد. در این میان شاید چندان تعجب برانگیز نباشد اگر اکنون این رسانه‌ها در حال پوشش اتفاقات و اخبار لحظه به لحظه دیگری‌ها در سرزمین‌های اشغالی و مظلوم‌نمایی از صهیونیست‌ها در این دیگری باشند. رضا پهلوی البته تنها فردی نبود که از صهیونیست‌ها حمایت کرده‌باشد عبدالله مهدتی، چهره تجزیه‌طلب و دیرکل حزب کومه‌لنیز از صهیونیست‌ها حمایت کرد و ایران را مقصر انجام این حملات دانست. قدم بعدی حمایت از صهیونیست‌ها تکرار این گزاره از جانب براندازها بود که حماس به دستور ایران به سرزمین‌های اشغالی حمله کرده است. امری که بار دیگر دستاویز آنها برای اجرای پروژه تحریم، فشار و منزوی کردن ایران شد. «ما فشار حداکثری را فراموش کردیم.» این جمله‌ای بود که رضا پهلوی آن را تکرار کرد و به‌نظر می‌رسد او در سرتا‌سری از پیش‌بین شده و یا هماهنگی متحد صهیونیستی‌اش این اظهارات را مطرح می‌کند. بازی براندازها در این زمین نیز باعث می‌شود موضع اختیار براندازها اتفاقات رخ داده چندان تعجب برانگیز به‌نظر نرسد. آنها در حالی تلاش می‌کنند صهیونیست‌ها را مردم‌عادی بخوانند که به دست حماس کشته شدند اما در مقابل جنایات آنها در غزه سکوت می‌کنند. در قدم بعدی، این رسانه‌ها تلاش می‌کنند اتفاقات غزه را به مسائل داخلی ایران برگ‌بزنند و موضوع آرمان فلسطین را به امری سیاسی تقلیل دهند که تنها از جانب حکومت ایران مورد حمایت قرار می‌گیرد و افکار عمومی در ایران نسبت به آن رغبتی نشان نمی‌دهند. این امر در واقعیت اتفاق نیفتاد و موضوع فلسطین، امری بود که نه تنها مردم ایران بلکه افکار عمومی دنیا را تحت تأثیر قرار داد و علاوه‌بر مقامات کشورها، منجر به برگزاری جمععاتی در دل اروپا نیز شده بود. شاید بتوان گفت حمایت براندازان و رسانه‌های وابسته به آنها، بومبئی‌ارانه تحلیل دقیق و درست از اتفاقات بلکه صرفا در راستای حفظ منافع خود و کسب بودجه برای ادامه فعالیت آنها صورت می‌گیرد و آنچه در این میان برای براندازان از کمترین میزان اهمیت برخوردار است، کشتار انسان‌های بی‌گناهی است که در این اتفاقات کشته شدند.

مساله اسرائیل؛ نقطه وفاق سلاطین سیاسی در ایران

«سال‌هاست که بسیاری این اصل را درمورد اشغال سرزمین فلسطین توسط اسرائیل نادیده می‌گیرند. کشوری که با زور و جنایت اشغال می‌شود و جمعیت زیادی از مردم کشته و عده زیادی‌تری به بیرون رانده و آواره می‌شوند. من و هیچ‌کس نمی‌توانیم این اصل بزرگ اخلاقی را زیر پا بگذاریم و مشروعت اشغالگر را به رسمیت بشناسیم.» این اظهار نظر سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات در واکنش به اتفاقات رخ داده در سرزمین فلسطین بود. خاتمی در ادامه صحبت‌های خود به این موضوع نیز اشاره کرد که دخالت دادن قطب‌بندی‌های سیاسی در موضع‌گیری‌های خارجی مضر است. علی‌رغم تلاش رسانه‌های برانداز برای گرفتن ماهی از آب گل‌آلود اتفاقات فلسطین برای تبدیل شکست کارفرمای صهیونیستی به پیروزی از طریق ایجاد دودستگی در میان گروه‌های سیاسی در ایران و سیاسی‌نمایی اتفاقات فلسطین در ایران، موضع‌گیری برخی چهره‌های سیاسی ایران با وجود اختلاف نظر و سلاطین سیاسی متفاوت نشان می‌داد این موضوع علی‌رغم تلاش براندازها امری نبود که دستمایه اختلاف نظرهای سیاسی قرار بگیرد. شاید بشود واکنش محمد قرقچانی، روزنامه‌نگار قدیمی و سرشناس اصالح‌طلب و سردبیر آگاهی نو، به موضع‌گیری براندازها درباره اتفاقات فلسطین را امری دانست که نشان می‌داد محاسبات آنها درباره اختلاف نظر‌ها، میان گروه‌های سیاسی در ایران اشتباه بود است. قرقچانی در گفت‌وگوی تلویزیونی خود اشاره کرد؛ «یک اتفاقی در طول چندسال گذشته رخ داده است. رسانه‌هایی به وجود آمدند و سخنوران و نیروی‌های را استخدام کردند که می‌توانند تاریخ را واژگونه کنند و تغییرش بدهند. براساس همین رفتارها، اقایی به نام پهلوی به اسرائیل رفت و با پد نام‌ترین رئیس دولت اسرائیل که همزمان در خیابان‌ها علیه او اعتراض می‌کنند. عکس یادگاری گرفت و بعد برای این، ایدئولوژی و گفتمان ساخته شده است و بحث این را کردند که اساسا کشوری به نام فلسطین وجود نداشته است.» قوچانی البته در ادامه صحبت خود ضمن محکم کردن اتفاقات رخ داده در فلسطین، راه حل دیگری‌ها در سرزمین‌های اشغالی را این‌طور توضیح می‌دهد؛ «راه‌حل همان است که رهبری در مهر سال ۹۷ گفتند، ما که نمی‌گوییم مثل جمال عبدالناصر یهودی‌ها را در دیر پریزیم. ما می‌گوییم یک رفتارند و برگز

